

## شهاب الدین سهروردی در یک نگاه

نیما ظاهری

### زنده‌گی و مرگ شیخ آتش افروز

شهاب الدین یحیی بن حبش بن امیرک سهروردی، ملقب به الموید بالملکوت، خالق البرایا و قدح الزند - آتش افروز و شگفتی آفرین - و معروف به شیخ مقتول، شیخ شهید و شیخ اشراق در سال 549 هجری در شهر سهرورد دیده به جهان گشود. شهر سهرورد ( گل سرخ )، در جنوب زنجان و غرب سلطانیه در ایالت جبال، یعنی ماد کهن واقع شده بود. این شهر در قرن ششم هجری هنوز آبادان و پُر رونق بود. سهروردی پس از سپری کردن ایام کودکی در سهرورد، برای فراگیری دانش راهی مراغه شد. در مراغه نزد مجدالدین جیلی به فراگیری حکمت پرداخت. فخرالدین رازی هم شاگرد این استاد بود و درهم‌آن‌جا با سهروردی آشنا شد، این دو با هم مباحثاتی نیز داشتند. سهروردی پس از چندی، برای ادامه‌ی تحصیل راهی اصفهان شد. اصفهان در آن روزگار مهم‌ترین فرهنگ شهر ایران زمین بود. در آن شهر نزد ظهیرالدین قاری به خوبی با مبانی فلسفه‌ی مشا آشنا شد. از آن پس زنده‌گی پُر فراز و نشیب و همیشه در سفر وی آغاز شد. به دیدار مشایخ بسیاری رفت و مجذوب اندیشه‌ی عرفانی شد. چندی در دیاربکر اقامت کرد، در آن‌جا با دل‌گرم‌ترین پذیرایی دربار سلجوقیان روم روبرو شد. درهم‌آن‌جا بود که با فخرالدین ماردینی آشنا شد. تصویری که از منش و اندیشه‌ی سهروردی در ذهن ماردینی نقش بست بسیار جالب و گویا است. وی درباره‌ی سهروردی به دوستان خود می‌گوید: «نمی‌دانید که این جوان به چه آتشی می‌سوزد و با چه شعله‌ای می‌درخشد. در عمر خود کسی را که همانند آن باشد ندیده‌ام. اما از افراط شور او و از بی احتیاطی او در حفظ زبان خود، نسبت به او بیم‌ناکم. از آن می‌ترسم که این افراط و بی احتیاطی به بهای جان‌اش تمام شود.» سهروردی به سفر خود ادامه داد از آناتولی به شامات رفت، مناظر زیبای شام وی را مسحور خود کرد. در یکی از سفرهای خود از دمشق به حلب رفت و در آن‌جا با ملک ظاهر شاه، پسر صلاح الدین ایوبی ملاقات کرد. ملک ظاهر شاه مجذوب حکیم جوان، سهروردی شد و از وی خواست که در دربار وی در حلب ماندگار شود. سهروردی که مسحور و مجذوب مناظر آن دیار شده بود، شادمانه پیش‌نهاد ملک ظاهر شاه را پذیرفت و در حلب ماند. اما دیری نگذشت که کار بحث و مناظره‌ی وی با علمای

قشری و مجریان شریعت و قضات بالا گرفت. در جامعه و فرهنگی که نهان زیستی و مهر کردن دهان و دوختن لب، شیوه‌ی تداوم و بقای زنده‌گی است؛ بدیهی است آن که اسرار هویدا کند، بر سر دار خواهد رفت. سر سبز سهروردی را نه فقط زبان سرخ، بل عقل سرخ وی بر باد داد. سهروردی سودای حکیم -فرمان‌روا را در سر می‌پروراند. سیف‌الدین آمدی حکایت می‌کند: «در حلب با سهروردی ملاقات کردم. گفت که مُلک روی زمین به دست من خواهد افتاد. پرسیدم‌اش که از کجا این حرف را می‌گوید؟ پاسخ داد خواب دیدم مثل این که دارم آب دریا را سر می‌کشم. گفتم شاید تعبیر خوابی که دیدی چیزی از قبیل شهرت علمی و امثال آن باشد. ولی دیدم که او از اندیشه‌ای که در دل‌اش جای گرفته است دست بردار نیست.» سهروردی سودای برانداختن نظام یرم و دینار را در سر می‌پروراند. شمس‌الدین تبریزی در این باره به صراحت می‌گوید: «این شهاب‌الدین می‌خواست که این یرم و دینار بر گیرد که «سبب فتنه است و بریدن دست‌ها و سرها.» معاملات خلق به چیزی دیگر باشد.» هم چنین نباید از یاد بُرد که در آن زمان صلاح‌الدین ایوبی تازه توانسته بود خاندان فاطمی مصر را، که از مهم‌ترین امیدهای اسلام باطنی اسماعیلیه بود در هم بکوبد. و از آن‌جا که واژه‌گان سهروردی گاهی بسیار نزدیک به ادبیات اسماعیلیه و فاطمیان بود؛ قضات به راحتی می‌توانستند برای وی پرونده‌ی محکمه‌پسند، بسازند. و چنین بود که علمای جلیل‌القدرت سهروردی را به جرم الحاد، فساد در دین، دعوی نبوت، مرتد و کافر، مهدورالدم اعلام کردند. و به دستور صلاح‌الدین ایوبی و به رغم مخالفت های ملک ظاهر شاه، سرانجام در پنجم رجب 587 هجری برابر با 29 ژوئیه 1191 میلادی، وی را در سن سی و هشت ساله‌گی در زندان حلب به قتل رساندند.

### تقسیم بندی آثار شیخ اشراق

با وجود این‌که مجال تجربه‌ی زنده‌گی طولانی از سهروردی، توسط حاکمان و عالمان حاکم دریغ شد، اما وی توانست با وجود فرصت اندک آثار بسیاری خلق کند. از سهروردی چهل و نه اثر به جای مانده است. از این چهل و نه اثر سیزده جلد آن به فارسی و بقیه به زبان عربی است. پژوهش‌گران، آثار سهروردی را به شیوه‌های گوناگون تقسیم بندی کرده‌اند. نخستین بار لویی ماسینیون آثار سهروردی را به سه گروه متمایز دسته بندی کرد. ماسینیون آثار سهروردی را به آثار دوره‌ی جوانی (رساله‌های عرفانی) (آثار نیمه‌ی عمر) (مشایی) و آثار اشراقی تقسیم نمود.

این تقسیم بندی با مطالعات بعدی مورد تردید واقع شد. پس از وی هانری کربن، که نقش بسیاری در معرفی سهروردی داشت، آثار وی را به چهار گروه متمایز تقسیم کرد. دکتر سید حسین نصر با بازنگری در آثار سهروردی آثار وی را به پنج گروه تقسیم کرد. سرانجام محسن کدیور با رجوعی دوباره به آثار سهروردی و شروح و تعلیقات آنها و تحقیقات انجام یافته، آثار سهروردی را به شش دسته تقسیم کرد. تقسیمی که به نظر پذیرفتنی تر از سایر تقسیم بندی های تا کنونی است.

**دسته‌ی اول:** آثاری که به‌طور ویژه به مبانی فلسفه‌ی اشراق می‌پردازد. در این دسته تنها می‌توان کتاب حکمة الاشراق را جای داد. زیرا این کتاب با تمام آثار سهروردی متفاوت است و در حقیقت سنگ بنای فلسفه‌ی اشراقی وی به حساب می‌آید. وی در این اثر سیمای تمام عیار فلسفه‌ی تأسیسی خود را جلوه‌گر می‌سازد. به گفته‌ی خود سهروردی، کلید درک اندیشه‌ها و یافته‌های او در همین کتاب است.

**دسته‌ی دوم:** در این دسته، چهار اثر آموزشی و نظری سهروردی که همه‌گی به زبان عربی است، قرار می‌گیرد. این چهار کتاب عبارت‌اند از: التلویحات، المشارع و المطارحات، المقاومات، اللمحات. در این آثار نخست از فلسفه‌ی مشایی، با خوانش ویژه‌ی سهروردی سخن رفته است. سپس بر این پایه، فلسفه‌ی اشراق مورد بررسی قرار می‌گیرد. هر چهار کتاب دارای سه بخش منطق، طبیعیات و الهیات است. التلویحات، مهم ترین کتاب در این دسته از آثار سهروردی است. در حقیقت المطارحات به منزله‌ی شرحی است بر التلویحات، اللمحات در حکم خلاصه‌ی آن است و المقاومات الحاقی است بر التلویحات.

**دسته‌ی سوم:** در این دسته، رساله‌ها و کتاب‌های فارسی و عربی قرار دارد که درحقیقت درون‌مایه آن‌ها، خلاصه و یا شرح تفصیلی آثار دسته‌ی اول و دوم است. در این دسته دو رساله‌ی مهم هیاکل النور و الالواح العمادیه قرار دارد که به زبان عربی نوشته شده است و توسط خود سهروردی به فارسی برگردانیده شده است. رساله‌ی فی اعتقاد الحکما به زبان عربی و رساله‌های پرتونامه و بستان القلوب به زبان فارسی نیز در این دسته جای می‌گیرد.

**دسته‌ی چهارم:** در این دسته، حکایت‌های رمزی و داستان‌های عرفانی سهروردی قرار دارد. آثاری که به گفته‌ی جعفر میر صادقی: «با وجود پیچیده‌گی و رمزآمیز بودنشان، قبل از هر چیز قصه‌اند... قصه‌هایی که از نظر خوش ساختی و ایجاز با بهترین نمونه‌های داستان کوتاه قرن بیستم قابل مقایسه‌اند. شروع مطلب در هر یک از این قصه‌ها آن‌چنان استادانه و میخ‌کوب کننده

است که حتا نظیر آن را در بهترین داستان‌های کوتاه معاصرمان هم بندرت می‌بینیم. «زبان بیشتر این رساله‌ها فارسی است و برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: عقل سرخ، صفیر سیمرخ، آواز پَر جبرئیل، لغت موران، فی حالت طفولیت، روزی با جماعت صوفیان، الغربة الغریبه و نیز رساله‌ی فی المعراج که هنوز منتشر نشده است.

**دسته‌ی پنجم:** نوشته‌ها، ترجمه‌ها، تفسیرها و شرح‌هایی است که سهروردی به رشته‌ی تحریر در آورده است. آثاری چون شرح فارسی اشارات بوعلی سینا، ترجمه‌ی رسالة الطیر بوعلی، و از همه مهم‌تر رساله‌ی فی حقیقة العشق یا مونس العشاق که برگرفته از رساله‌ی فی العشق بوعلی سینا است. هم چنین تفسیر چند سوره از قرآن و برخی از احادیث نبوی که تاکنون منتشر نشده است، در این دسته از آثار جای می‌گیرد.

**دسته‌ی ششم:** نیایش‌ها و مناجات‌نامه‌هایی که همه‌گی به زبان عربی است و الواردات و التقدیسات خوانده می‌شود. این آثار نیز تاکنون منتشر نشده است. بزودی در مقاله‌ای دیگر می‌کوشم به اجمال به شرح اندیشه سهروردی و معرفی فلسفه‌ی اشراق بپردازم.

[jamesharab@gamil.com](mailto:jamesharab@gamil.com)